

بازشناسی مفهوم و مبنای حق بر محیط‌زیست و تاثیر آن بر مدیریت و برنامه- ریزی توسعه پایدار مقاصد گردشگری در استان خوزستان

علی اصغر فرهادی

دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
(aliafarhadi@yahoo.com)

سعید عطازاده^۱

استادیار، عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی ناجا، تهران، ایران

محمود قیوم زاده

استاد و هیات علمی گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران
(maarefteacher@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۲/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۵

چکیده

حامیان حقوق بشر، حق بر محیط‌زیست سالم را به عنوان یک حق مستقل بشری برای داشتن محیط‌زیست با کیفیت به رسمیت می‌شناسند. حق بر محیط‌زیست هم منعکس کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق بر حیات، حق بر سلامتی، حق بر زندگی با استاندارد است و هم با پیش نیازهای مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه پایدار مقاصد گردشگری ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد. حق بر محیط‌زیست سالم و بهداشتی یکی از لوازم تحقق کامل توسعه پایدار مقاصد گردشگری است؛ بنابراین توسعه پایدار مقاصد گردشگری و برقراری امکان بقای نسل‌های فعلی و تمهید حیات برای نسل‌های آتی، مستلزم آن است که محیط‌زیست کنونی از وضع ناگوار ناشی از تخریب و آلودگی‌های روزافزون رهایی و بهبود یابد. هدف این مقاله بازشناسی مفهوم و مبنای حق بر محیط‌زیست و تاثیر آن بر مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه پایدار مقاصد گردشگری است. سوال اصلی مقاله این است که آموزش و اشاعه و حفاظت از حق بر محیط‌زیست چه تاثیری بر مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه پایدار مقاصد گردشگری در استان خوزستان دارد؟ روش انجام این مقاله توصیفی تحلیلی است. روش گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است. نتایج مقاله نشان می‌دهد که آموزش و مراقبت از حق بر محیط‌زیست مقدمه و پیش نیاز اصلی توسعه پایدار مقاصد گردشگری است و این مساله در استان خوزستان با توجه به شرایط طبیعی و بحران‌های محیط‌زیستی محیط پیرامونی نیازمند برنامه‌ریزی و مدیریت علمی است.

واژگان کلیدی: حق بر محیط‌زیست، مقاصد گردشگری، توسعه پایدار، استان خوزستان.

مقدمه

فهم ماهیت حق بر محیط‌زیست، منوط است به جایگاه این حق در مجموعه حقوق بشر (Qari Seyed Fatemi, 2011: 222). لذا برخی از حقوق‌دانان با مطرح نمودن حقوق محیط‌زیستی بشر، سعی در حفظ این حقوق و بهبود وضعیت موجود در آن دارند. به اعتقاد اینان حقوق بشر صلاحیت آن را دارد که از محیط‌زیست در جهت منافع بشری محافظت نماید؛ اما سؤال اصلی در این میان آن است که آیا حق بشر به محیط‌زیست و منابع طبیعی موجود در آن در زمره حقوق بشر ارزیابی گردد و به عبارت رساتر این حق نوعی از حقوق بشر محسوب می‌شود؟ از آن جایی که داشتن محیط‌زیست سالم پیش شرط تمتع از بسیاری از مصادیق حقوق بشر می‌باشد، حق بر محیط‌زیست سالم به عنوان یکی از حقوق‌های بشری مطرح گردیده است. با این حال این گفته به معنای مالکیت بشر بر محیط‌زیست نیست بلکه بشر در کنار سایر موجودات و رعایت حقوق اولیه آن‌ها، بایستی از محیط‌زیست بهره برد. تا ۶۰ سال پیش محیط‌زیست در میان موضوعات مهم و مورد علاقه بنیان‌گذاران سازمان ملل متحد هیچ جایی نداشت؛ اما امروز با توجه به اهمیت کیفیت زندگی به عنوان یک شاخص مهم در ارزیابی سطح جوامع، مجبور هستیم برای حفظ و استفاده عقلانی از باقی مانده سرمایه طبیعی جهان تلاش بسیار داشته باشیم.

با توجه به آن که پایداری محیط‌زیست جهانی یکی از اهداف هشتگانه توسعه‌ای هزاره سازمان ملل می‌باشد، در این بین برنامه محیط‌زیست سازمان ملل نقشی کلیدی و جهانی در آگاهی‌رسانی و تضمین فعالیت‌های زیست‌محیطی در حال انجام به منظور تلاش به سوی نزدیک شدن به توسعه پایدار در سطح جهانی را دارد. در یک نگاه این سازمان با ارائه مشورت‌های سیاست‌محورانه، می‌تواند به تصمیم‌گیران در بخش‌های دولتی و خصوصی، بازرگانی و جامعه مدنی کمک‌های شایانی نماید. برنامه محیط‌زیست سازمان ملل دفتری طراحی شده در سیستم سازمان ملل است که وظیفه آن توجه به مسائل و مشکلات محیط‌زیستی در دو سطح جهانی و منطقه‌ای است. بر اساس این برنامه، مسائل محیط‌زیست و مرور خطراتی که متوجه آن است به جامعه جهانی و دولت‌ها یادآوری می‌شود و در خصوص رابطه میان توسعه و حفظ محیط‌زیست سیاست‌های معقولی مطرح می‌گردد. برنامه محیط‌زیست سازمان ملل به شکل شفاف مأموریت خود را این‌گونه تعریف نموده است. مهیاسازی زمینه‌های هدایتی و تشویق به مشارکت در امر توجه به محیط‌زیست از طریق اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی ملت‌ها و مردم به منظور بهسازی و ارتقای کیفیت زندگی بدون آسیب‌رسانی به منافع نسل آینده.

مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۷۲، منشور ۲۱ کنفرانس سازمان ملل در خصوص محیط‌زیست و توسعه، اعلامیه جهانی سازمان ملل در نایروبی در سال ۱۹۹۷ و گردهمایی سران جهان در سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۵ در خصوص مدیریت محیط‌زیست در سطح بین‌الملل تاکنون همگی از ابزارها و منابعی بوده‌اند که اهداف و برنامه‌ریزی‌های این دفتر متأثر از دستورات و مصوبات آن بوده است. شورای مدیریتی این دفتر سالانه گزارش‌های کاری خود را از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی مجمع عمومی سازمان ملل متحد به این سازمان ارائه می‌نماید. در برنامه محیط‌زیست سازمان ملل دولت‌های عضو شامل ۵۸ کشور می‌باشند که توسط مجمع عمومی سازمان ملل

برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شوند، در این برنامه قاره آفریقا دارای ۱۶ کشور عضو، آسیا ۱۳ عضو، اروپای شرقی ۶ عضو، آمریکای لاتین و کارائیب ۱۰ عضو و اروپای غربی و دیگر کشورها دارای ۱۳ عضو می‌باشند. شایان ذکر است جمهوری اسلامی ایران تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۷ جزء دولت‌های عضو در این برنامه می‌باشد.

در بررسی ماهیت این حق و توجه به رابطه بشر با محیط‌زیست، رویکردهای مختلفی وجود دارد. رویکرد انسان‌محور به محیط‌زیست که اصالت را به بشر داده است و برای محیط‌زیست ارزش ابزاری بیش از منفعت برای انسان قائل نیست. در مقابل رویکرد طبیعت‌محور اصالت را به طبیعت داده و برای محیط‌زیست ارزش ذاتی قائل می‌شود. در کنار این دو رویکرد به محیط‌زیست نگر به دنبال راه‌حلی است که میان، رویکرد سومی تحت عنوان رویکرد جامع محوری آشتی برقرار سازد تا هم منافع نوع بشر تأمین گردد و هم انسان‌محوری و طبیعت‌پیرامون حفظ گردد. این رویکرد به تمام موجودات به عنوان اجزای یک مجموعه می‌نگردد که بدون همکاری این اجزا این سیستم و مجموعه فاقد کارایی لازم است. مطابق این رویکرد مطلق تخریب محیط‌زیست ممنوع نشده است بلکه تخریب غیرقابل جبران محیط‌زیست ممنوع است، یعنی آن دسته از اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با تخریب غیرقابل جبران محیط‌زیستی ملازمه پیدا کند ممنوع است.

رویکرد دیگری نیز تحت عنوان خالق محوری وجود دارد که علاوه بر همان نظرات رویکرد جامع محور معتقد است طبیعت و انسان هر دو مخلوق خداوند هستند و لذا بایستی به آموزه‌های دینی در حفظ محیط‌زیست توجه ویژه‌ای گردد. به هر صورت تردیدی نیست که بهره‌مندی از محیط‌زیست سالم، حق مسلم بشریت است، حقی که مرز جغرافیایی نمی‌شناسد و به نسل‌های موجود محدود نمی‌شود. این حق را می‌توان از لابه‌لای اسناد بین‌المللی یا منطقه‌ای و حتی حقوق داخلی برداشت و استنباط نمود. به صورت کلی حق بر محیط‌زیست دارای دو جنبه ماهوی و شکلی است. جنبه ماهوی این حق را می‌توان به حق بر آب، هوا، خاک، مناظر زیبا طبیعی و بکر، آرامش محیط و ... اشاره کرد و از مهم‌ترین جنبه‌های شکلی حق بر محیط‌زیست می‌توان به حق بر آموزش‌های محیط‌زیستی، حق دسترسی به اطلاعات محیط‌زیستی، حق مشارکت در تصمیم‌گیری دادرسی برای جبران خسارات محیط‌زیستی اشاره نمود (Husseini, 121396: 146).

حق بر محیط زیست سالم، مقوله‌ای مستقل از حقوق محیط زیست می‌باشد. طبق عقیده برخی از طرفداران حقوق بشر، حق به محیط زیست و حقوق بشر، دو مقوله مستقل از یکدیگر که یکی بر پایه دیدگاه محیط زیست و دیگری انسان محور است، قرار می‌گیرد.

رویکرد نظری

حقوق بشر، به مثابه عالی‌ترین هنجار حقوقی فهم می‌شود که نسبت به حقوق موضوعه و نیز حقوق شخصی در مرتبه والاتری قرار دارد. سکوی حرکت برای توصیف حقوق بشر، همانا حرمت انسان است، که نه قابل انتقال و واگذاری است و نه صرف نظر کردنی. حقوق بشر حقوقی است جهان‌شمول، اخلاقی، بنیادین، مقدم و مجرد. بر پایه همین ویژگی‌هاست که نهادهای بین‌المللی در قلمرو حقوق ملی هر

واحد جغرافیائی، از ضرورت عاجل برخوردار است. هم‌سازی دو رشته حقوق بشر و محیط زیست در نظام حقوق بین‌الملل در مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر که در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید به روشنی قابل ملاحظه است (Moradi Node, 2008: 225). علی‌رغم وجود معاهدات مختلف که در زمینه حفاظت از محیط زیست وجود دارد، اما متأسفانه به دلیل عدم تعیبه ضمانت‌های اجرایی لازم برای این معاهدات، این اسناد مثرالثرم واقع نگردیده‌اند (Small Mouse, 2007: 273-296).

در چارچوب تحلیل مبانی حق برخورداری از محیط‌زیست سالم، هر سه نظریه نیاز، فایده و ارزش در بردارنده رویکردی انسان‌محور نسبت به ارتباط انسان‌ها با محیط‌زیست می‌باشد. در هر سه نظریه، انسان به عنوان تنها موجود نیازمند، صاحب منفعت، از طبیعت یا محیط‌زیست اطراف خود جدا شده و بر آن استیلا یافته و نسبت به آن صاحب حق شده و در مقابل محیط‌زیست او به عنوان موضوع حق پاسخگویی نیازها و منافع انسان می‌گردد. در دو نظریه منفعت و ارزش، رویکرد ثانوی وجود دارد که بر طبق آن حیوانات (از جمله انسان) به دلیل داشتن ادراک حسی و توان فهم لذت و درد، به عنوان تنها گونه زیستی صاحب حق و منفعت شناخته شده است و در نهایت این نظریه ارزش طبیعت است که با تکیه بر طبیعت‌محوری، صاحبان حق بر محیط‌زیست را به سایر موجودات زنده و خود کره زمین تعمیم می‌دهد (Mashhadi & Keshavarz, 2012: 67).

حق به محیط زیست حمایت از بهسازی محیط زیست مستقیماً از نیازهای حیاتی برای حفاظت از زندگی انسانی ناشی می‌گردد تا کیفیت و شرایط آن را تامین کند و پیش شرط‌های غیر قابل اجتناب برای مراقبت از کرامت انسان و سعادت و توسعه شخصیت انسانی را تضمین نماید (Pathak, 1992, p.209). لذا تنزل کیفیت محیط زیست یک تهدید جدی برای بقای انسان می‌باشد (ICJ Reports of Judgements, Advisory Opinions and Orders, 1996, Vol, 1, Paragraph 29). حق به محیط زیست و احترام به حقوق بشر ارتباط مستقیم و تنگاتنگی به حمایت و حفاظت از محیط زیست دارد، چرا که زندگی انسان و تداوم حیات او و کیفیت زندگی او منوط به سلامتی و شادابی محیط زیست است و این جزء حق به محیط زیست نامیده می‌شود (Boyle and Anderson, 1998, p.10).

از نظریه‌ها و رویکردهای مطروحه در فوق می‌توان نتیجه گرفت، ضرورت صیانت از محیط زیست با رویکردی بین‌المللی و با همگرایی جهانی، باید در حد مطلوب و در خدمت فعالیت‌های بشری در عرصه‌های مختلف قرار گیرد... این رویکردها در سیاست‌های دولت‌ها نیز تاثیرگذار می‌باشد. از دیدگاه قاضی فیتس موریس، در ارتباط با حقوق بشر و حق به محیط زیست سالم سه دیدگاه مشاهده می‌گردد.

یک دیدگاه بیانگر این امر است که بدون حق به محیط زیست، حقوق بشر وجود ندارد، به عبارتی دیگر حقوق بشر با دست یابی به حق به محیط زیست معنا می‌یابد. دیدگاه دوم، وجود حق به محیط زیست و ظهور این حق بشدت سؤال برانگیز است و دیدگاه سوم بیان می‌دارد، حق به محیط زیست سالم، از بخش‌های دیگر حقوق بشر است (Malgosia, 1999). P.611-656. تمامی این موارد موید دیدگاه مستقل دانشمندان و طرفداران حقوق بشر از حقوق محیط زیست، به واقع حق بر، داشتن محیط زیست سالم می‌باشد.

البته نمی‌توان به قطعیت اعلام داشت که نظریه غالب، بیانگر استقلال حقوق محیط زیست از حقوق بشر می‌باشد، شاید بتوان گفت دیدگاه، تلقی نکردن مستقل حقوق محیط زیست از حقوق بشر، منجر به مظلوم واقع گردیده شدن این حقوق گردیده است، چرا که همواره این نسل از حقوق، تحت سیطره و در لوای حقوق بشر بیان گردیده است و حتی علی‌رغم یکسان تلقی کردن در بسیاری از موارد، آنطور که باید نیز، همانند حوزه حقوق بشری به این حقوق توجه نگردیده است. در قضیه گابسیکو و علیه ناگیماروس^۱، ویرامانتری قاضی دیوان بین‌المللی دادگستری، حمایت از محیط زیست را بخش مهمی از حقوق بشر تلقی کرده است و چنین حمایتی را شرط اساسی تحقق حقوق دیگر بشری دانسته است.) ICJ Advisory Opinion Concerning the Legality of the Threat or use of nuclear weapon 1996. (vol.1,p2). در نهایت می‌توان گفت اختلاف نظرهای موجود در خصوص رابطه حق به محیط زیست سالم و حقوق بشر که ناشی از دیدگاه‌های متفاوت بر پایه تحلیل‌های تاریخی و زمانی از این حقوق می‌باشد، خود می‌تواند در ایجاد خلاء و عدم حمایت‌های لازم از این حقوق تاثیرگذار باشد. به عبارت دیگر، برداشت‌ها و دیدگاه‌های متفاوت از رابطه میان حق به محیط زیست سالم و حقوق بشر در دیدگاه‌های علمای حقوق، که منجر به عدم ایجاد کارایی لازم برای این دسته از حقوق می‌گردد، با مراجعه و بررسی اسناد بین‌المللی و رویه‌های قضایی می‌تواند تا حدودی، این عدم کارایی قوانین را مرتفع سازد.

در بررسی اسناد بین‌المللی که ناظر بر حق به محیط زیست سالم است، اعلامیه استکهلم نخستین سند بین‌المللی است که به صراحت رابطه حق فردی انسان و کیفیت محیط زیست را مورد شناسایی قرار داده است. اصل اول، بخش دوم اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد: حق به محیط زیست انسان از حق بنیادین آزادی، برابری و شرایط مناسب زندگی در محیطی که کیفیت آن امکان زندگی با کرامت و سعادت‌مند را برای انسان فراهم کرده باشد برخوردار بوده و مسئولیت جدی در حمایت و حفظ محیط زیست برای نسل فعلی و آتی را بر عهده دارد.^۲

طبق اصل اول این اعلامیه، پایه محیط زیست سالم برای بهره‌مندی کامل از حقوق بشر الزامی است. منشور جهانی طبیعت، حقوق و تکالیف ناشی از ضرورت حمایت از محیط زیست و توسعه^۳، در گزارش منتشره تحت عنوان حق به محیط زیست آینده مشترک ماحق به محیط زیست به حقوق بشر در قالب توسعه پایدار توجه نموده است. به واقع کمیسیون توسعه و محیط زیست نیز، حق به محیط زیست سالم را به عنوان حقوق بنیادین بشر، مورد شناسایی قرار داده است.

کمیسیون اعلام داشته است: حق به محیط زیست هر انسانی حق بنیادین به محیط زیست مناسب برای سلامتی و سعادت خود را دارد. این حق در اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی فرهنگی و اجتماعی نیز به صورت تلویحی و ضمنی مورد تایید قرار گرفته است. حق به محیط زیست سالم در کنوانسیون‌های حقوق بشری منطقه‌ای مانند منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم، سیستم ملل آمریکایی حقوق بشر،

^۱ - Gabcikovo vs Nagymaros

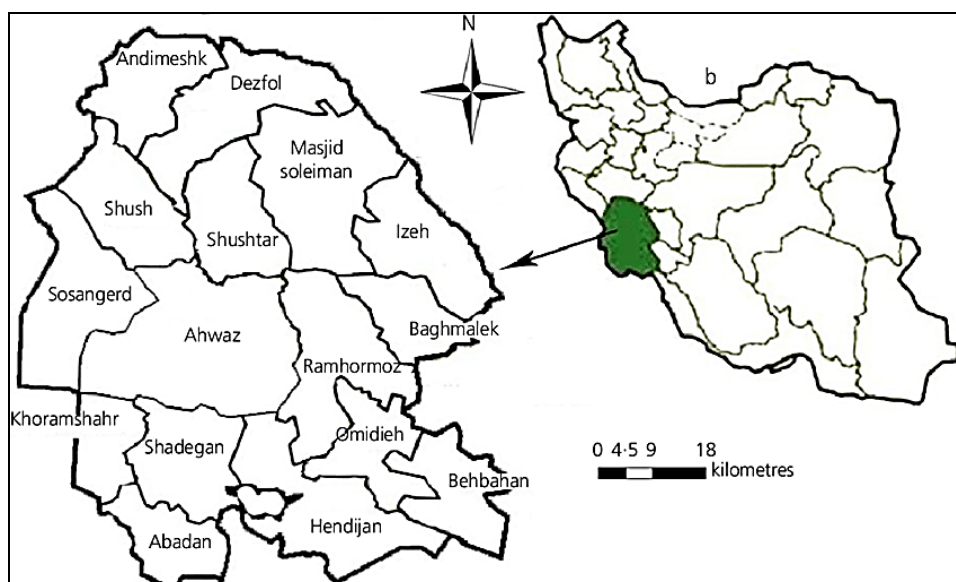
^۲ - Stockholm, Declaration. Part II, principle 1

^۳ - Stockholm A/Res, No.37/7.1982, Principle 1

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و ... نیز مورد تایید قرار گرفته است. این حق در کنفرانس جهانی توسعه اجتماعی و نیز کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، اصل اولیه اعلامیه ریو مبنی بر حق به محیط زیست تقویت دنیایی با محیط زیست سالم به حمایت از حقوق بشر کمک کرده حق به محیط زیست را مورد تایید قرار داده است.

محیط مورد مطالعه

استان خوزستان با مساحت ۶۴۲۳۶ کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران و در محدوده ۴۷ درجه و ۴۲ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۵۸ دقیقه شمالی از خط استوا قرار دارد این استان از شمال به استان لرستان، از شمال شرقی به استان اصفهان، از شمال غربی به استان ایلام از شرق و جنوب شرقی به استان چهارمحال و بختیاری و استان کهگیلویه و بویراحمد و از جنوب به خلیج فارس و از غرب به کشور عراق محدود می‌شود. استان خوزستان دارای ۲۰ شهرستان و ۴۷ شهر و ۴۶ بخش و ۱۲۶ دهستان می‌باشد این استان با جمعیت ۳۷۴۶۷۷۲ نفر دارای ۶۴۴۰۴۰ خانوار می‌باشد (Borna & Asadian, 1986).



نقشه ۱: تقسیمات سیاسی استان خوزستان

<https://www.researchgate.net>

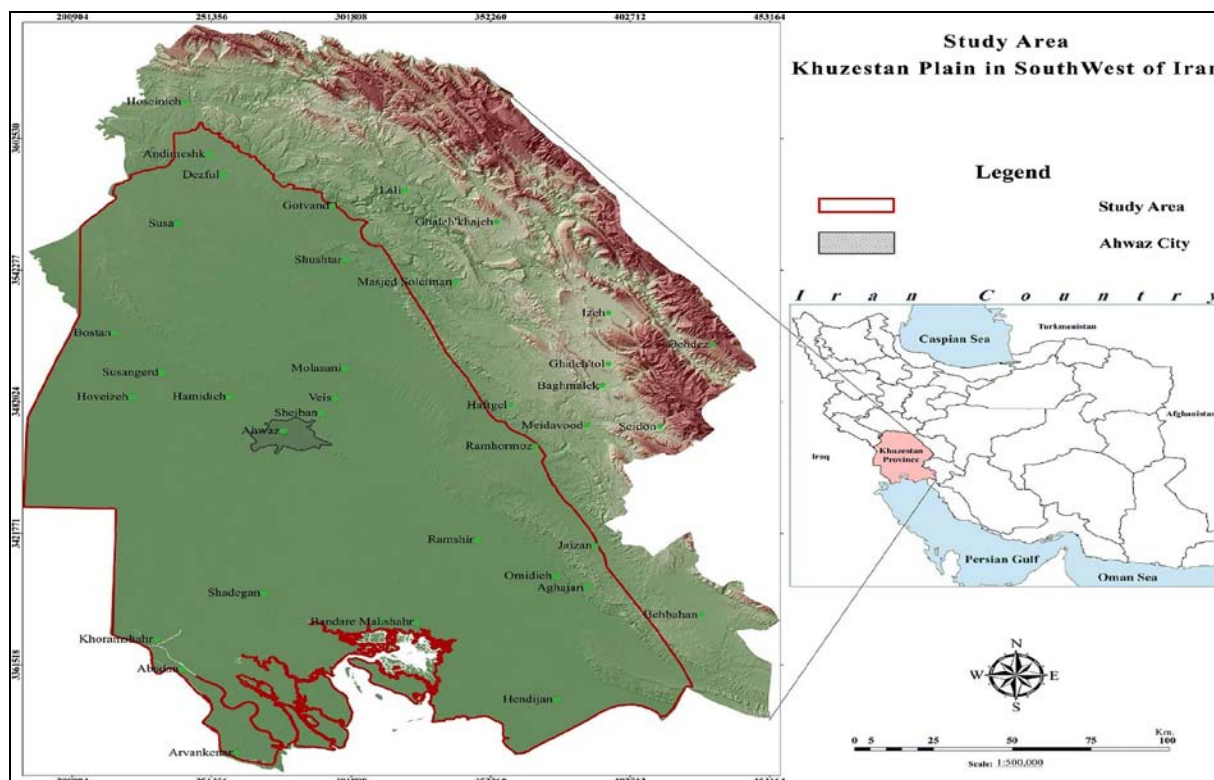
استان خوزستان سرزمینی است که از سلسله جبال پیچیده زاگرس شروع شده و پس از جای دادن اراضی وسیع جلگه ای به آبهای خلیج فارس می‌پیوندد. موقعیت جغرافیایی استان خوزستان با مساحتی بالغ بر ۶۴۶۶۴ کیلومتر مربع بین ۲۹ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۵۸ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و ۴۷ درجه و ۴۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳۹ دقیقه طول شرقی از نصف النهار گرینویچ قرار دارد. این سرزمین از شمال به استان لرستان از جنوب به خلیج فارس از مشرق به استان‌های بختیاری و کهگیلویه و بویر احمد و از مغرب به کشور عراق و استان ایلام محدود است. خوزستان از طریق خلیج فارس با کشورهای حاشیه نشین جنوبی آن و از غرب با کشور عراق همسایگی دارد. خوزستان و سواحل آن از مناطق بسیار گرم بوده و متوسط گرمای سالانه آن ۲۴ تا ۲۸ درجه سانتی گراد تفاوت میکند. تیر و مرداد گرمترین و دی و بهمن خنک ترین ماههای سال است (Karimian & Fakar, 2016).

رودهای خوزستان عبارتند از: کارون - کرخه - دز - مارون و هندیجان زهره • میانگین بارندگی در استان خوزستان طی سالهای ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۵ در اهواز ۱۹۹ میلیمتر بوده است • اکثر مردم فارسی و عشایر مقیم و بومی خوزستان به عربی و بختیاری، لری و لهجه دزفولی، شوشتری و ترکی صحبت می کنند. از نظر تقسیمات کشوری و جغرافیایی این استان شامل ۱۶ شهرستان ۲۸ شهر ۲۶ بخش و ۱۱۱ دهستان می باشد. شهرهای خوزستان عبارتند از: اهواز مرکز استان - آبادان - ایذه - بندر ماهشهر - بهبهان - خرمشهر - دزفول - سوسنگرد - رامهرمز شوشتر - مسجد سلیمان - اندیمشک - باغمک - شادگان - شوش - امیدیه • حضور فعال ۸ هزار ساله دولتهای باستانی ایلام هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان و اعراب و مسلمانان سیراقوام را می توان از آثار و یادمانهای باستانی بجای مانده در شهرهای ایذه - مسجد سلیمان - شوش و شوشتر - هفت تپه بهبهان اهواز دریافت • چغازنبیل در نزدیکی هفت تپه و کاخ اپادانا در شوش و کول فره در ایذه از دبدنی ترین آثار باستانی و مقبره دانیال نبی در شوش از زیارتگاههای مهم به شمار می آید در خصوص وجه تسمیه اهواز گفته اند، اهواز جمع عربی کلمه مفرد هوز = حوز است که ابتدا به یک قبیله از آن اطلاق می شده و ایرانیان آن را به عنوان ایالتی برای تعیین ناحیه قدیم ایلام به کار بردند که به آن کرسی ایالت خوزستان نیز گفته می شده است. نام قدیم آن هرمز دار در شیر و پس از آن سوق الاهواز و در عهد قاجاریه آن را ناصری یا ناصریه نامیده اند در سال ۱۳۱۴ هجری شمسی اهواز نامیده شد اردشیر سد بزرگی بر کارون نهاد در عصر وی وجانشینانش، این شهر رونق و اعتبار فراوان داشت و به جای شوش پایتخت سوزیانا یا خوزستان گردید (Hosseini Kohnouj et. al. 2015).



نقشه ۲: موقعیت شهر اهواز در استان خوزستان

دشت وسیع خوزستان با برخورداری از مواهب طبیعی فراوان در زمینه کاشت انواع درختان و گیاهان زیتنی و مثمر دارای استعدادها و قابلیت‌های درخور توجهی است. گرچه عبور رودخانه کارون از میان شهرهای استان، وجود آب فراوان و خاک حاصلخیز امکان کشت بسیاری از گونه‌های گیاهی را فراهم آورده است اما شرایط آب و هوایی گرم و خشک و بارش سالانه ۲۳۰ میلی‌متر و در برخی مناطق شوری و قلیایی بودن خاک محدودیت‌هایی در این زمینه ایجاد کرده است. مهمترین محصولات گیاهی با ارزش اقتصادی خوزستان عبارتند از: گل و گیاه زیتنی، انواع خرما، مرکبات، زیتون و قارچ خوراکی. اکالیپتوس، کهور، برهان، اکاسیا، انجیرمعابد، کنار، نخل (۱۵۰ نوع)، شمشاد اهواز، شاه پسند، شیشه شور، گل سرخ، گل کاغذی، محبوبه شب، ناترک، مورد و کنوکارپرس از جمله گونه‌های درختی و درختچه‌های زیتنی هستند که به وفور در خوزستان کشت می‌شود (Mehrabi et. al. 2015).



نقشه ۳: موقعیت منطقه مورد مطالعه در نقشه ایران

<https://link.springer.com>

بر اساس آمار رسمی، اهواز پس از اصفهان و تهران، بیشترین آلودگی هوا را دارد. میزان آلودگی هوا در این شهر روزبه‌روز افزایش یافته و شدیدتر می‌شود. مهم‌ترین علت آلودگی هوای اهواز، گردوغبار و حمل‌ونقل درون‌شهری است و دیگر عامل آلودگی‌ها گسترش افسارگسیخته بافت شهری و رسیدن آن به کارخانه‌هایی مانند ایران کربن و فولاد خوزستان است. بارها از طرف سازمان‌های مختلف همچون سازمان حفاظت محیط‌زیست استان خوزستان اعلام شده که اهواز ۸ برابر بیش از حد مجاز آلوده است، به همین دلیل بیشتر پروازها لغو و مدارس و کودکستانهای این شهر تعطیل می‌شوند، برخی سازمانهای دولتی دلیل این گرد و غبار را آلودگی ناشی از گرد و غبار صحرای عربستان و جنوب عراق و همچنین نبود بارش باران و نبود پوشش گیاهی در برخی مناطق خوزستان دانسته‌اند. دامنه

گسترش این آلودگی به استان‌های ایلام، لرستان و برخی از شهرهای استان فارس و بوشهر نیز بروز کرده است (Mehrabi et. al. 2015).

بر اساس برنامه‌های سازمان محیط‌زیست، در صورت افزایش ۵۰۰ هکتاری پوشش گیاهی در شهر اهواز و انجام پروژه کمر بند سبز، بین چهار تا شش درجه از گرمای هوا در اهواز کاسته خواهد شد و آلودگی هوا نیز تا حد چشمگیری پایین خواهد آمد. وانگهی از پاییز ۱۳۸۵ کل استان خوزستان درگیر پدیده توفان خاک شده‌است که زیان‌های مالی و جانی فراوانی به بار آورده‌است و گمان نمی‌رود با این برنامه‌ها بتوان آن را ناپدید یا کم نمود. در سال ۲۰۱۱ بر پایه گزارش سازمان بهداشت جهانی شهر اهواز آلوده‌ترین شهر جهان شناخته شده‌است.

این بحران باعث شده‌است شهر اهواز -مرکز این استان- از سوی سازمان بهداشت جهانی به عنوان یکی از آلوده‌ترین شهرهای جهان شناخته شود که باعث مشکلات تنفسی ساکنان این شهر شده‌است. احتمال آلوده بودن این ریزگرد به مواد رادیواکتیو نگرانی‌های گسترده‌ای در مورد تأثیر این پدیده بر سلامت شهروندان به وجود آورده‌است. سالانه حدود ۲۲ هزار نفر در استان خوزستان به دلیل مشکلات ناشی از آلودگی هوا و ریزگردها به بیمارستان و مراکز درمانی مراجعه می‌کنند. در آبان ۱۳۹۴ در پی بارش باران اسیدی در این استان، برای صدها نفر مشکلات تنفسی پیش‌آمد که آنان را به بیمارستان کشانده و به بستری شدن بیش از یکصد نفر منجر شد (Hosseini Kohnouj et. al. 2015).

ماهیت و مبنای قواعد حقوق بشری محیط‌زیست و ملزم بودن دولت‌ها به پایبندی

تعریف واحدی از حقوق بشر وجود ندارد برخی در تعریف حقوق بشر این چنین گفته‌اند ((Falsafi, 1995: 95): حقوق بشر به معنای امتیازاتی کلی است که هر فرد انسانی طبعاً دارای آن است. این امتیازات در صورت تحقق، معیار واقعی مشروعیت و مالک محدودیت اقتدار دولت در قبال افراد است. همچنین گفته شده است: حقوق بشر، مجموعه‌ای از امتیازات دارای مضمون و مفهوم والای انسانی است که انسان صرف نظر از هرگونه وابستگی دینی، نژادی، جنسی و ... از آن برخوردار است (Ghorbania, 2001: 210)؛ بنابراین انسانها به دلیل کرامت خود بایستی به صورت برابر و یکسان از حقوق بشر که دارای ویژگی جهان شمولی نسبت، ذاتی و غیرقابل سلب بودن می باشند، برخوردار گردند. جهان شمولی نسبت به تمام زمانها و مکانها و ذاتی بودن این حقها به معنای فرا فرهنگی بودن و پیوند با کرامت و حیثیت انسانی میباشد و غیرقابل سلب بودن بدین معنی میباشد که این حقها ریشه در قانون گذاری و یا اراده حکومت ندارند البته باید در نظر داشت که این امر به معنای این نیست که به هیچ وجه پاره ای از این حقوق را نمی‌توان به دلایل موجه از بین برد یا تحدید کرد (Qari Seyed Fatemi, 2002: 118). لذا با توجه به مسائل پیش گفته در ادامه به دلایلی خواهیم پرداخت که در راستای حفاظت و حمایت از محیط‌زیست هستند و در پرتو اصول حقوق بشر تجلی پیدا کرده‌اند.

۱- نگرانی جامعه جهانی

از بین بردن محیط‌زیستی که انسان و دیگر موجودات در آن زندگی می‌کنند، فقط یک ناحیه را تحت تأثیر قرار

نمی‌دهد بلکه می‌تواند به شکلی باشد که به دیگر نقاط کره زمین نیز تسری یابد و دامن دیگر نقاط را نیز بگیرد، همین موضوع است که حفاظت و مراقبت از محیط‌زیست را جز دغدغه تمام کشورها قرار داده است. با توجه به اتفاقاتی که در دهه ۱۹۸۰ میلادی به وقوع پیوست و تلفات جانی بسیاری را به دنبال داشت میتوان به اهمیت نگرانی مشترک جوامع نسبت به محیط‌زیست پی برد. به طور مثال در سال ۱۹۸۴ در بوپال هند، کارخانه صنایع شیمیایی یونیون کار باید دچار انفجار گردید.

و به علت استشمام گازهای سمی پخش شده از آن دو هزار نفر کشته و صد و پنجاه نفر زخمی شدند؛ در سال ۱۹۸۶ نیز ذوب شدن یک رآکتور اتمی در چرنوبیل آب و خاک را آلوده ساخت و منابع غذایی شوروی سابق، اروپای شرقی و کشورهای اسکاندیناوی را به مخاطره‌انداخت به لحاظ آثار بلند مدت این فاجعه تعداد تلفات و مجروحین آن دقیقاً مشخص نیست؛ و سرانجام در سال ۱۹۹۱ در جنگ خلیج فارس ارتش عراق با اقدامی غیر انسانی میلیونها تن نفت خام در خلیج فارس تخلیه نمود و صدها چاه نفت را به آتش کشید این عمل نه تنها به محیط‌زیست دریایی و ساحلی خلیج فارس خسارتهای بسیاری وارد ساخت دوده‌های سمی بسیاری را نیز به فضای جو فرستاد. برخی از نظریه پردازان بر این معتقدند که فاجعه زیست‌محیطی در حال تکوین می‌باشد که با تلفیق رشد بی رویه جمعیت در سطح بین‌المللی باعث برخوردها و اختلافات قومی و فرهنگی شده و صلح و امنیت جهانی را برهم خواهد زد (Parsa, 1998: 130).

۲ - محیط‌زیست به عنوان میراثی برای جامعه جهانی

آب و هوای که دارای مرز نبوده و متعلق به یک کشور نبوده و امکان تخصیص آن‌ها به عنوان حقوق مالی برای هیچ کشوری وجود ندارد مشترکات واقعی همه بشریت هستند. منابعی هم در درون مرزهای یک کشور وجود دارند مانند رود یا دریاچه یا سفره‌های زیرزمینی که این منابع متعلق به کشورهای صاحب منبع است و آن کشور مسئول اداره آن‌ها می‌باشد. ولی با این وجود اخیراً کشورهای صاحب این منابع بیشتر به این سو گرایش پیدا کرده‌اند که این‌گونه منابع بخشی از میراث مشترک بشریت تلقی گردد و خواستار اعطای کمک‌های فنی و مالی از جامعه جهانی بوده چرا که این منابع متعلق به کل جامعه جهانی است و بایستی در حفظ و نگهداری آن‌ها سهیم باشند. اصول پنجگانه ی میراث مشترک بشریت در حقوق بین‌المللی محیط‌زیست عبارت است از عدم تخصیص، تقسیم منافع، نفع بشریت، مدیریت بین‌المللی و کاربرد مسالمت آمیز که باید برای اینکه منبعی جزو میراث مشترک بشریت و جامعه جهانی تلقی گردد این اصول را دارا باشد؛ بنابراین در ابتدا باید منبع مورد نظر مربوط به همه بشریت باشد، اصل عدم تخصیص حاکمیت بر میراث مشترک بشریت را منع می‌کند. البته این بدان معنا نمی‌باشد که دولت‌ها از حاکمیت ملی خود دست بکشند بلکه بایستی منافع جامعه بین‌المللی را تأمین نموده و این امر را در نظر داشته باشند که هر عملی که ناقض این تعهد صورت گیرد مداخله جامعه بین‌المللی را به دنبال خواهد داشت.

از جمله مهمترین اهداف میراث مشترک بشریت که در قالب امانت، تجسمی از مشترکات مربوط به بشریت به هم پیوسته با حقوق بشریت آینده است به شرح زیر می‌باشد: الف- استفاده منحصر به فرد در اهداف صلح جویانه ب- استفاده معقولانه با یک روح محافظت ج- مدیریت بهینه و انتقال آن به نسل‌های بعدی (Case et al., 2013: 107-109). لذا برای اینکه میراث مشترک بشریت و جامعه جهانی یک اصل حقوقی تلقی گردد بایستی با ساز و کارهای قوی تقویت گردد. اصل مدیریت بین‌المللی به معنای این است که مناطقی که به عنوان میراث مشترک بشریت شناخته گردند باید توسط مؤسسات سازمان ملل متحد و یا با ساز و کارهای خاصی که برای هر منبع معین می‌شود تحت نظارت و کنترل قرار گیرد و بنا بر اصل تقسیم منافع حفاظت از منابع طبیعی مستلزم تقسیم منصفانه مسئولیت و منافع آن‌ها می‌باشد (Jamali, 2010: 126-129).

۳- گذار به نسل بعدی حقوق بشر

در مجموعه می‌توان به سه دیدگاه در رابطه با ارتباط حقوق بشر و محیط‌زیست سالم و حق بر آن اشاره کرد. یک دیدگاه به حمایت از این اندیشه می‌پردازد که بدون حق به محیط‌زیست، حقوق بشر وجود ندارد. در دیدگاه دیگری وجود و ظهور چنین حقی مورد تردید و انکار قرار گرفته و در نهایت دیدگاه سوم بر این باور می‌باشد که حق به محیط‌زیست سالم از بخشه ای دیگر حقوق بشر همانند حق به زندگی و حق به سلامتی است. البته نوع دیگری از دیدگاه‌ها وجود دارد که با دیدگاه‌های قبلی تفاوت دارد. اولین دیدگاه این است که وضعیت محیط‌زیست بر پایه تأثیر مستقیمی که بر تداوم حیات و کیفیت زندگی، سلامتی و رفاه تک‌تک افراد متمرکز بوده مورد توجه قرار می‌گیرد که این نشانه انسان‌محور بودن این دیدگاه می‌باشد. دیدگاه دوم حقوق زیست‌محیطی تنها درصدد فراهم کردن ضمانت‌های خاص برای افراد نیست و بیشتر به دنبال این است که به اهداف زیست‌محیطی که مورد توافق اجتماعی است دست یابد. در این دیدگاه که محیط‌زیست محور می‌باشد حمایت از حقوق بشر در چهارچوب حمایت از علائق و نیازهای مشترک جامعه بشری جامه عمل به خود می‌پوشاند (Zarei, 2011: 108-107).

حقوقدانان نسل اول حقوق بشر را حق آزادی و نسل دوم حقوق بشر را حق برابری نامیده‌اند. همچنین آن‌ها نسل سوم از حقوق بشر که شامل بر حق بر صلح، حق بر توسعه، حق بر محیط‌زیست سالم، حق بر میراث مشترک بشریت و حق ارتباطات است که به حق جمعی شهرت دارد. حق بر خورداری از محیط‌زیست سالم از عناوین اصلی نسل سوم حقوق بشر می‌باشد که از اصلی‌ترین دیدگاه‌های این گروه برای ارتقا یافتن به جایگاه حقوق بشر است. چرا که؛ نظام قضایی و سیاسی در هر سطحی می‌تواند خود را برای عدم نقض این حقوق انسانها به کار بندند (Rushdie, 2005: 3-4).

بررسی اصول حقوق بین‌الملل برای محافظت از محیط‌زیست

۱- اصل احتیاطی

اصل احتیاطی همانند اصل جلوگیری که در ادامه خواهد آمد، بدنبال عدم آسیب به محیط‌زیست می‌باشد اما هنگامی که نتایج حاصله از آن حاکی از عدم توانایی اقدامات باشد و وقتی که تنزل درجه زیست در مقیاسی بزرگ مطرح

می‌شود اصل احتیاطی به طور جدی و خاص مورد قبول قرار می‌گیرد. این اصل را می‌توان از جمله ملاحظات و یکی از مهمترین ابتکارات اعلامیه ریو دانست در این اعلامیه گفته شده: به منظور حفظ محیط‌زیست، کشورها باید ضوابط و معیارهای پیشگیرانه حمایتی را بر اساس تواناییهای خود به طور مبسوط مورد استفاده قرار دهند. در جایی که امکان خطر جدی وجود دارد یا مسائل و مشکلات ناشناخته زیان‌هایی به بار می‌آورد، باید نواقص به طور کامل و علمی مورد بررسی قرار گیرد و نباید به دلیل اینکه ضوابط مبارزه با آلودگی محیط‌زیست پرهزینه است، از آن چشم‌پوشی کرد.

این اصل گویای نقش حساس متخصصین در برخورد با روش حفاظت محیط‌زیست می‌باشد و دلیل گسترش و تزايد این نقش، تصمیم‌گیران بایستی مقررات حفاظت از هوا و آب را بر اساس اطلاعات متخصصین مختلف محیط‌زیست تنظیم نماید و عموم مردم هم باید پشتیبان چنین تصمیماتی باشند نقش متخصصین زیست‌محیطی نه تنها دادن اطلاعات علمی به تصمیم‌گیران می‌باشد بلکه آن‌ها نقش مهمی در رساندن آموزش عمومی به مردم دارند (Case, Ibid., Pp. 79-80). هنگامی می‌توان به این اصل اتکا کرد که ضرر مربوط به آینده و قابل پیش‌بینی باشد و نه فعلی و حتمی چون تنها وقوع خطری قابل پیش‌بینی در آینده قابل پیشگیری است. لذا خطری که قرار است در آینده بوقوع افتد باید مهم باشد.

۲- اصل جلوگیری از تخریب و آسیب رساندن به محیط‌زیست

قوانین و مقررات مربوط به محیط‌زیست، می‌بایست توانایی پیش‌بینی علل و عوامل نابودی محیط‌زیست را پداشته باشند و از آن‌ها جلوگیری به عمل آورند وقتی که تهدیدهای جدی و خسارت‌های غیرقابل جبران وجود دارد عدم تشخیص کامل این تهدیدها نباید دلیلی باشد برای به تعویق انداختن ضوابط جلوگیری از از بین رفتن محیط‌زیست (Dabiri et al., 2009: 218). در این رابطه نظر، متخصصین ثابت می‌کند که این اصل برای محیط‌زیست چه از جنبه اکولوژیک و چه از نظر اقتصادی به عنوان یک قاعده برتر محسوب شده چرا که غالباً آسیب‌های وارده به محیط‌زیست غیرقابل جبران می‌باشند و حتی اگر قابل جبران باشند هزینه‌های بازگرداندن آن به حالت اولیه بسیار سرسام‌آور می‌باشد. اصل جلوگیری مستلزم استفاده از فنون ویژه از قبیل تجزیه و تحلیل احتمال خطر و پس از آن ارزیابی پیامدها و نتایج اعمال انجام شده است (Case, formerly: 78). بررسی آثار زیست‌محیطی باید پیش از آغاز فعالیت انجام گیرد و یا طرحی که ممکن است آثار زیانبار قابل توجهی در محیط‌زیست داشته باشد بایستی آثار زیست‌محیطی ناشی از اجرای طرح مذکور ارزیابی شود تا آثار ضرر و زیان را کم کند.

این اصل دولت‌ها و مسئولین را مجبور می‌کند که هر دولتی در به گرفتن قوانین و مقررات باید تمام تلاش خود را انجام دهد تا بر مبنای عمل منصفانه و بر درستی و در جهت نظم عمومی، فعالیت‌های بخش خصوصی تحت قلمرو و نظارت وی، روی بخش محیط‌زیست زیان آور نباشد. اصل عدم سوء استفاده به عنوان یک وظیفه مطلق در جلوگیری از همه زیانها تأکید دارد، اما الزامی که بر دولت‌ها در جهت ممنوعیت فعالیت‌هایی اشاره می‌شود، وقتی است که آن فعالیت موجب زیان شدید در محیط‌زیست گردد. برای نمونه تخلیه فضولات سمی به داخل یک دریاچه بین‌المللی

مثل خزر که بر اساس ضرر وارده از نتایج فعالیت مجاز باید به حداقل رسانده شود. نگرش به این اصل می‌تواند به تدوین برنامه تکمیلی و استراتژی‌ها در جهت جلوگیری از تخریب محیط‌زیست کمک کند (Case, formerly: 78).

۳- اصل حمایت

در ماده ۱۹۲ کنوانسیون حقوق دریاها لغت حفاظت کردن با معانی مختلف به کار رفته است آن چه از کلمه حفاظت می‌توان دریافت یک اصل کلی است که شامل هردو این تعابیر می‌شود از جمله خودداری از اعمال زیان آور و اتخاذ تدابیر مثبت برای مراقبت در حدی که به خرابی محیط‌زیست منتهی نشود. حفاظت در مفهوم عام دربردارنده طرح جامع اکولوژیک و مدیریت مربوط به آن، قوانین پایه ای، رویه و سازمانهای ذیربط در مقیاس ملی می‌باشد و اصطلاح نگهداری نشان دهنده این است حفاظت از منابع طبیعی برای چه اشخاصی باید صورت گیرد. به بیان دیگر تداعی کننده مراقبت طولانی با در نظر گرفتن حقوق و منافع نسل‌های آتی بشر می‌باشد در حالیکه اصطلاح محافظت بر مبنای وضعیت فعلی می‌باشد و خواستار بهبود و اصلاح وضعیت موجود منابع حیاتی مانند هوا و آب است. استراتژی حفاظت جهانی که در سال ۱۹۸۱ که از سوی اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی جهان مهیا شد یک طرح عملیاتی را به حکومت توصیه می‌کند و برقراری اصل محافظت را بیان می‌دارد این استراتژی دارای اهدافی چون بقای چرخه اکولوژیک و پشتیبانی از سیستم حیات، دستیابی به بهره‌برداری انواع اکوسیستم‌ها می‌باشد (Dabiri and Village, Ibid: 218-217). از همین رو دولتها باید قوانین و مقررات داخلی خود زمینه حفاظت و حمایت از محیط‌زیست را فراهم کنند و اقدامات و پشتیبانی‌های ضروری برای حفاظت از آب و هوا و دیگر عناصر محیط‌زیست انجام دهند (Casse, former: pp. 78-77).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

آلودگی شدید هوا ناشی از آلاینده‌های صنعتی در بسیاری از کلانشهرها و افزایش میزان ریزگردها در هوای برخی شهرهای مناطق غربی و جنوب کشور از یک طرف و تخریب جنگل‌ها، حاشیه رودخانه‌ها و البته خشک شدن بستر رودخانه‌ها و تالاب‌ها از طرف دیگر در سال‌های اخیر، وضعیتی را ایجاد کرده که سلامت جسم و روح هر انسانی را تهدید می‌کند. به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهم در توسعه این نابسامانی زیست‌محیطی نبود قوانین محکم و لازم الاجرای داخلی برای حفاظت و صیانت از محیط‌زیست است. محیط‌زیست سالم از ابعاد مختلف هوا، زمین و دریا حق هر انسان به اعتبار ذاتی انسان بودن اوست. هر چند از دیدگاه برخی حقوقدانان بین‌الملل محیط‌زیست، حق مستقل بر محیط‌زیست هنوز به عنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل نشده است لیکن در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند این حق، حداقل حق اساسی بشری است که در بسیاری از اسناد حقوق بشری منطقه‌ای شناسایی و بر آن تأکید شده است.

طرفداران حقوق بشر، حق بر محیط‌زیست سالم را به عنوان یک حق مستقل بشری برای داشتن محیط‌زیست با کیفیت به رسمیت می‌شناسند. حق بر محیط‌زیست هم منعکس‌کننده ارزش‌های متعالی و پایه‌ای همانند حق بر حیات، حق بر سلامتی، حق بر زندگی با استاندارد است و هم با پیش‌نیازهای تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های

آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد. به نظر می‌رسد حقوق بشر در بعد زیست‌محیطی می‌تواند ضعف شناسایی صریح حق محیط‌زیست سالم را در اسناد جهانی حقوق بشر برطرف سازد و به عنوان «حمایتی نیابتی و جایگزین» در برابر صدمات زیست‌محیطی نقش آفرینی کند. از آنجا که برخی حقوق متعلق به نسل اول و دوم دارای ابعاد زیست‌محیطی هستند، از بررسی محتوایی این حقوق در می‌یابیم که حتی اگر حقی مستقل بر محیط‌زیست بشریت وجود نداشته باشد، تحقق کامل و مجزای این حق، مستلزم این است که محیط‌زیست سالم به عنوان مؤلفه‌ای اساسی مورد دقت قرار گیرد و به این ترتیب حق انسان بر محیط‌زیست سالم به عنوان لازمه تحقق و استیفای سایر حقوق یا یکی از اجزای آن‌ها تبدیل خواهد شد.

حق بر محیط‌زیست سالم و بهداشتی یکی از لوازم تحقق کامل و استیفای واقعی حق حیات است؛ بنابراین استیفای حق حیات و برقراری امکان بقای نسل‌های فعلی و تمهید حیات برای نسل‌های آتی، مستلزم آن است که محیط‌زیست کنونی از وضع ناگوار ناشی از تخریب و آلودگی‌های روزافزون رهایی و بهبود یابد. حق بشریت بر محیط‌زیست سالم، مقدمه‌ای برای استیفای کامل حیات است. این دو حق چنان لازم و ملزوم یکدیگرند که نقض یکی موجب نقض دیگری است. حق حیات اگر چه نخستین و اساسی‌ترین حق نوع انسان است ولی حق بر محیط‌زیست سالم حداقل از نظر تأثیر روابط و نظم زیست بوم گستره‌ای وسیع‌تر دارد.

به عبارت دیگر، حق حیات فقط به انسان تعلق دارد ولی حق بر محیط‌زیست، حیات را علاوه بر انسان برای سایر موجودات زنده گیاهی و جانوری تضمین می‌کند، زیرا که به خطر افتادن حیات گونه‌های مذکور سبب به هم خوردن تعادل زیست بوم و در نتیجه به خطر افتادن امکان بقای بشر می‌شود. با این حال حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به عنوان یکی از نتایج مکمل احترام به نوع انسان و به عنوان یک حق مستقر و دارای وضعیت ثابت در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود. در میان مصادیق مختلف حقوق همبستگی، حق بر محیط‌زیست به دلایل مختلف از جمله وفاق نسبی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نسبت به ضرورت حفاظت از محیط‌زیست و همچنین به دلیل نگرانی مشترک بشریت از پیامدهای زیانبار تخریب محیط‌زیست توانسته است بر مصادیق دیگر پیشی بگیرد. بر خلاف نسل‌های اول و دوم، نسل سوم حقوق بشر و به طور خاص حق بر محیط‌زیست، دارای ماهیتی دو بعدی است.

بدین ترتیب که حق بر محیط‌زیست، هم بعد فردی دارد و هم بعد جمعی. بعد فردی حق بر محیط‌زیست، حق هر قربانی تخریب محیط‌زیست است که از تمامی فعالیت‌های مخرب محیط‌زیست جلوگیری کرده، خود نیز از آن خودداری کند. حق جمعی نیز، نشانگر وظیفه دولت‌ها در مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی یا کمک به این همکاری‌ها برای حل مسائل زیست‌محیطی در سطح جهان است. بعد جمعی حق بر محیط‌زیست، بیانگر این واقعیت مهم است که تمام دولت‌ها و دیگر بازیگران در عرصه بین‌المللی، باید منافع نوع بشر را بر منافع فردی مقدم دارند. حق بر محیط‌زیست که در واقع آن را باید حق بر حفاظت از محیط‌زیست و در برخی موارد حفاظت به معنای حمایت در مقابل تخریب و بهبود تعبیر نمود در عین اعطای حق و ایجاد تکلیف برای فرد، وظایف دولت‌ها و

مؤسسات عمومی را نیز گسترش می‌دهد؛ یعنی بدون الحاق و اتفاق توانایی‌ها و کوشش‌های همه دولت‌ها، افراد و اشخاص حقوقی، تحقق این حقوق امکان پذیر نیست.

حق بر محیط‌زیست دارای عناصر و محتوایی است و این اجزا تشکیل دهنده و قوام دهنده حق بر محیط‌زیست هستند. این عناصر عبارتند از: الف) حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی

ب) حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی

ج) حق بر آموزش مسائل زیست‌محیطی

د) حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست‌محیطی

در ادامه به ترتیب به تبیین هر کدام از این عناصر شاکله حق بر محیط‌زیست می‌پردازیم: الف) حق دسترسی به اطلاعات زیست‌محیطی: اطلاعات در مورد محیط‌زیست پیش شرط تحقق سایر اصول مربوط به محیط‌زیست است. به همین سبب، در اصول بنیادین حقوق محیط‌زیست، در کنار اصل پیشگیری، اصل برخورداری و دسترسی به اطلاعات وجود دارد. حق برخورداری از اطلاعات در رابطه با محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند، یکی از حقوق اصلی و لازم برای ادامه زندگی سالم است. به دیگر سخن، انسان با دارا بودن اطلاعات کافی، بهتر می‌تواند برای زندگی خویش از حیث سلامتی برنامه‌ریزی کند. اجرای این اصل ناگزیر منوط است به اینکه اطلاعات مربوط به وضعیت محیط‌زیست و طرح‌هایی که برای محیط‌زیست خطرناکند در اختیار عموم قرار گیرد. در اغلب موافقتنامه‌های بین‌المللی محیط‌زیست، بخشی از آن در بردارنده الزاماتی برای دولت‌های عضو، به منظور دسترسی مردم به اطلاعات زیست‌محیطی است. ماده ۱۰ اعلامیه ریو تأکید می‌کند که هر فرد باید به همه اطلاعاتی که مقام‌های عمومی در مورد محیط‌زیست در اختیار دارند، از جمله اطلاعات مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته باشد. کنوانسیون بین‌المللی در مورد حق بر اطلاعات و مشارکت عمومی در زمینه محیط‌زیست (۱۹۹۸) که نخستین سند لازم‌الاجرا در قلمروی بین‌المللی در خصوص دسترسی عمومی به اطلاعات زیست‌محیطی است دسترسی عموم به اطلاعات زیست‌محیطی و امکان مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی را به صراحت پیش‌بینی کرده است. بر اساس ماده ۶ کنوانسیون تغییرات آب و هوایی دولت‌های عضو این کنوانسیون، در سطح ملی و در صورت اقتضا در سطح منطقه‌ای یا ناحیه‌ای، مطابق با قوانین و مقررات ملی و در چارچوب ظرفیت‌های مربوطه، دسترسی عموم به اطلاعات و شرکت عموم مردم را ارتقا داده و تسهیل خواهند کرد.

ب) حق مشارکت در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی: مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی حق کسانی است که می‌توانند با اظهار نظر در مورد تعیین موقعیت آینده محیط‌زیست خود مؤثر واقع شوند. این حق می‌تواند شامل حال اتباع بیگانه و شهروندان کشور گردد. اصل ۱۰ اعلامیه ریو نیز بر ضرورت مشارکت عمومی در اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی تأکید می‌کند و آن را به رسمیت می‌شناسد. اصل ۲۳ منشور جهانی طبیعت نیز با صراحت، فرصت مشارکت به طور انفرادی یا همراه دیگران را برای همه افراد با توجه به مقررات داخلی خود در اتخاذ تصمیماتی که مرتبط با محیط‌زیست است، به رسمیت می‌شناسد و همچنین زمانی که محیط‌زیست آن‌ها زیان

بیند و دچار خسارت گردد، به وسایل جبران غرامت دسترسی خواهند داشت. یکی از اصول چهارگانه «اصول راهبردی صوفیا ۱۹۹۵»، اصل مربوط به مشارکت عمومی در فرایند اتخاذ تصمیمات زیست‌محیطی است، که دولت‌ها را موظف به مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های زیست‌محیطی کرده است. کنوانسیون ۱۹۹۱ «اسپو» راجع به ارزیابی آثار زیست‌محیطی در زمینه‌های برون مرزی، دولت‌ها را به آگاهی دادن به عموم و ارائه فرصت مناسب برای مشارکت عمومی برای ارتباط با فرآیند ارزیابی آثار زیست‌محیطی، با ملاحظه فعالیت‌های پیشنهادی در هر منطقه‌ای که اثرگذار بر محیط‌زیست فرامرزی است، ملزم می‌کند. کنوانسیون تغییرات آب و هوایی در بند ۱ ماده ۴، دولت‌ها را تشویق به مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در امر محیط‌زیست کرده است. مطابق ماده ۱۷ پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی، هر انسان حق و امکان دارد که بدون محدودیت غیر منطقی، خودش یا توسط نمایندگانی که آزادانه انتخاب می‌کند و بویژه از طریق انجمن‌هایی که آزادانه تشکیل می‌شوند، در تعیین سیاست و تدابیر ملی مربوط به محیط‌زیست مشارکت کرده و قبل از اجرای اقداماتی که می‌تواند موجب صدمه به شرایط طبیعی حیات شوند، از طرف مقامات محلی مورد مشورت قرار گیرند.

ج) حق بر آموزش مسائل زیست‌محیطی: بر اساس اصل نوزدهم اعلامیه استکهلم به منظور توسعه مبانی ضروری برای تنویر افکار عمومی و تفهیم مسئولیتی که افراد، مؤسسات و جمعیت‌ها، در خصوص حفاظت از محیط‌زیست در تمام ابعاد انسانی آن بر عهده دارند، لازم است نسل جوان و نیز بزرگسالان، با بذل توجه کافی نسبت به انسان‌هایی که در وضعیت نامساعدتری قرار دارند، تحت آموزش قرار گیرند. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تنزل کیفیت محیط‌زیست اجتناب کرده و بالعکس به منظور فراهم کردن امکان توسعه انسان در تمام زمینه‌ها، اطلاعات آموزشی در مورد ضرورت حفاظت و بهبود محیط‌زیست را ارائه دهند.

د) حق دسترسی به مراجع اداری و قضایی از جمله مجازات و جبران خسارات زیست‌محیطی: در اسناد مختلف بین‌المللی بر این نکته تأکید شده که انسان‌ها حق دارند به مراجع قضایی و اداری در امور زیست‌محیطی دسترسی داشته باشند. این حق محدود به اتباع و شهروندان یک دولت نیست. ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، در صورت بروز تخلف از حقوق و آزادی‌های مطروحه در کنوانسیون، با جبران خسارت آن را تضمین می‌کند. بر اساس اصل ۱۰ اعلامیه ریو، دسترسی مؤثر به اقدام‌ها و مراجع قضایی و اداری، از جمله مجازات و جبران خسارت باید تضمین شود. مطابق دستور کار ۲۱، دولت‌ها و قانونگذاران در جهت ایجاد رویه‌های قضایی و اداری برای دادخواهی جبران خسارت قانونی و خسارات ناشی از اعمال تأثیرگذار بر محیط‌زیست که ممکن است غیر قانونی یا تجاوز به حقوق قانونی باشد، مسئولیت دارند و امکان دسترسی افراد، گروه‌ها و سازمان‌ها را برای منافع قانونی شناخته شده آن‌ها به رسمیت می‌شناسد. بر اساس ماده ۱۸ پیش طرح سومین میثاق بین‌المللی حقوق همبستگی «هر فردی که حق او برای داشتن محیطی سالم و از نظر زیست‌محیطی متعادل، مورد تجاوز قرار گیرد یا تهدیدی واقعی مبنی بر چنین تجاوزی وجود داشته باشد، حق خواهد داشت به طور مؤثر به مرجع صالحه، شکایت کند؛ حتی اگر

عامل تجاوز یا تهدید به تجاوز، شخصی باشد که در حال انجام وظایف قانونی خود می‌باشد». در ماده ۱۹ نیز، به کسی که به حق برخورداری او از محیط‌زیست تجاوز شده، حق درخواست جبران خسارت داده شده است.

کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز بحق بر محیط‌زیست سالم پرداخته است. در تفسیر کلی شماره ۱۴ در خصوص بالاترین استاندارد قابل حصول بهداشت، کمیته اشعار می‌دارد که: «حق بر بهداشت در برگیرنده طیف وسیعی از عوامل اقتصادی- اجتماعی است که شرایطی که در آن مردم می‌توانند به یک زندگی سالم رهنمون شوند را بهبود می‌بخشد و شامل عوامل بنیادین بهداشت، همانند غذا، خوراک، مسکن، دستیابی به آب آشامیدنی و سیستم دفع فاضلاب کافی، شرایط ایمن و بهداشتی کار و یک محیط‌زیست سالم است». کمیته توضیح می‌دهد که این حق باید به عنوان یک حق منحصر به فرد که نه تنها مراقبت بهداشتی متناسب و بموقع را شامل می‌شود بلکه عوامل مهم و بنیادین بهداشت، همانند دستیابی به آب نوشیدنی سالم و سیستم دفع فاضلاب کافی و شرایط زیست‌محیطی سالم را در برمی‌گیرد.

در نظریه تفسیر کلی شماره ۱۵ در خصوص حق بر آب، کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به بهداشت زیست‌محیطی، جنبه‌ای از حق بر بهداشت پرداخته است که شامل برداشتن گام‌هایی بر یک مبنای غیر تبعیضی برای پیشگیری از تهدیدات علیه سلامت ناشی از شرایط آب ناسالم و سمی می‌شود. برای مثال دولت‌های عضو باید تضمین کنند که منابع طبیعی آب از آلودگی بوسیله مواد مضر و میکروب‌های بیماری‌زا حفاظت می‌شوند. همچنین دولت‌های عضو باید بر وضعیت‌هایی که اکوسیستم‌ها به عنوان یک سکنی برای ناقلین بیماری عمل می‌کنند، نظارت کنند زیرا که چنین مکان‌هایی برای محیط‌زیست بشر ایجاد خطر می‌کنند.

به واقع ضرورت دیدگاه مستقل به حقوق محیط زیست بیانگر این واقعیت می‌باشد که این عرصه از حقوق نیازمند توجه هرچه بیشتر از سوی تابعان حقوق بین‌الملل جهت رفع هرگونه خلاء و ایجاد ضمانت‌های اجرایی می‌باشد. متأسفانه با بررسی عملکرد و رویه دولت‌ها باید خاطر نشان ساخت، پرداختن به این مقوله از آنجایی که این حقوق، جزء حقوق نسل سوم بشری تلقی می‌گردد و از لحاظ ماهیت و مبنای شیوه قضایی، به ظرافت و پیچیدگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد، جزء دغدغه‌ها و اولویت‌های اساسی و اولیه از سوی دولت‌ها قرار نگرفته است. از آنجائیکه حقوق محیط زیست ملی و بین‌المللی، بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی است.

بنابراین نقش دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در خصوص تدوین و توسعه این دسته از حقوق چه در سطح ملی و چه در سطح بین‌المللی دارای اهمیت به‌سزایی می‌باشد. متأسفانه علی‌رغم آنکه توجه جهانیان به اهمیت محیط زیست، در سال ۱۹۷۲ توسط اعلامیه استکهلم بیشتر جلب گردید و در راستای این امر، اصول، قواعد، بیانیه‌ها، نهادهای تخصصی و ... در زمینه محیط زیست تشکیل گردید، اما همواره این دسته از حقوق مورد توجه لازم و جدی از سوی دولت‌ها نبوده است. درست است که با عنایت به رخ دادهای عصر حاضر، مانند آلودگی‌های فرامرزی، ریسک‌های زیست‌محیطی، کاهش منابع، فقر، گرمایش زمین، آسیب‌لایه اوزن و ... تهدیداتی جدی و شدید را در خصوص محیط زیست به همراه داشته است که منجر به تشکیل کنفرانس با موضوعیت محیط زیست و توسعه در

ژوئن ۱۹۹۲ توسط سازمان ملل متحد گردید و توجه جهانیان به ضرورت حفاظت و صیانت از محیط زیست و توسعه پایدار جلب گردید و پرداختن به این مسائل و ضرورت همکاری در راستای توسعه پایدار، با اقداماتی نظیر سیاست گذاری، مدیریت منابع مشترک، مدیریت ریسک‌های زیست محیطی فرامرزی، تدوین حقوق بین الملل در برنامه محیط زیست سازمان ملل، کمیسیون حقوق بین الملل و دادگاه‌های منطقه ای قرار گرفت، اما عدم توجه دولت‌ها، ارکان سازمان ملل متحد، همواره مشاهده و به عنوان نمونه می‌توان به نادیده گرفتن حقوق محیط زیست بین‌الملل و عدم توجه به مسئولیت دولت‌های ثالث در راستای توجه طرف‌های متخاصم در جنگ اشاره نمود.

References

- Parsa, Alireza, Environment and Human Rights: Investigating the Right to a Healthy and Dignified Environment as a Human, Political and Economic Right, Journal of Political Information, Economics, No. 135-136, 1377
- Jamali, Hamid Reza, International Environment and the Common Management of Humanity, Journal of Political and International Research, Islamic Azad University, Shahreza Branch, No. 4 2010
- Hosseini, Seyyed Mohammad ؛ Mohammadi, Mehrdad, Human Rights Analysis of the Environment, Islamic Human Rights Studies, Vol.
- Dabiri, Farhad, Pourhashim, Seyyed Abbas, Village, Fakh al-Zahi, Investigating the Principles and Concepts of International Environmental Law with a View to Sustainable Development, Journal of Environmental Science and Technology, Volume 11, Number 9, 2009
- Rushdie, Mohammadi, The Role of the Judiciary in Environmental Protection, Modares Humanities Publication, No. 40, 2005
- Zarei Hedak, Mohammad; Zarei Hedak, Masoumeh, Human Rights in Sustainable Development, Tehran, Ava Book Publishing, 2011
- 7- Philosophy, Hedayatollah, Formulation and Promotion of Human Rights in the International Community, Journal of Legal Research, No. 121-174
- Ghari Seyed Fatemi, Seyed Mohammad; Mashhadi, Ali; The Nature of Right to the Environment, Legal Research, no 69090
- Ghorbannia, Nasser, The Relationship between Justice and Human Rights, Proceedings of the International Conference on Human Rights and the Dialogue of Civilizations, Qom, Mofid University Press, 2001
- Case, Alexander, Sindh, Peter H., Idolang, Winfrey, Environmental Law, translated by Dr. Hassan Habibi, University of Tehran Press, Fourth Edition, 2013
- Moradi Nodeh, Sirollah, A Hope for Humanity (with a Highness in Persian and Persian), Quarterly Journal of Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord, No. 3 and No. 11, 2008
- Mashhadi, Ali; Keshavarz, Ismail, Tameli on the Philosophy of Right to a Healthy Environment, Two Quarterly Islamic Law Review, no.2 (36)
- High School, High School and High School, High Society, High School of Science and Arts, University of Tehran, Volume 37, Number 4, 2007
- Borna, Reza, Asadian, Farideh (1986), Study of CP, ET and TCI indices on human comfort assessment (case study: Khuzestan province). New Attitudes in Human Geography, 9 (4), 195-217.
- Karimian, Habibollah, Fakar, Mahsa. (2016), Investigating the Impact of Management and Planning on Tourism Development with Emphasis on the Historical and Ancient Monuments of Khuzestan Province (Case Study of Choghazanbil Temple). Journal of New Attitudes in Human Geography, 8 (4), 77-93.
- Hosseini Kohnoj, Seyed Reza, Hosseini Shah Parian, Nabi Allah, Nemati, Morteza. (2015), An Analysis of the Spatial Structure of Development Indices with Emphasis on Regional Inequality (Case Study: Khuzestan Province). Journal of New Attitudes in Human Geography, 7 (3), 165-186.

- Mehrabi, Alireza, Yazdan Panah, Kiomars, Khalafzadeh, Fatemeh. (2015), Analysis of Political Participation of Different Ethnicities (Case Study: Khuzestan Province). *Journal of New Attitudes in Human Geography*, 7 (2), 147-169.
- 14- Boyle, Alen E., and Anderson, 1998, p.10
- 15- Fitzmaurice Malgosia, *The Right of the Child to Clean Environment*, 23 *southern Illinois University Law Journal* (1999)
- 16- ICJ Advisory Opinion Concerning the Legality of the Threat or use of nuclear weapon 1996. vol.1
- 17- ICJ Reports of Judgements, Advisory Opinions and Orders, 1996, Vol, 1, Paragraph 29.
- 18- Pathak R.S, *The Human Rights System as a Conceptual Framework for Environmental Law in Weiss, E.B (ed), environmental Change and International Law*, United Nations University Press, 1992
- 19- Stockholm A/Res, No.37/7.1982, Principle 1
- 20- Stockholm, Declaration. Part II, principle 1